

بررسی تأثیر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی بر پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی

مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکن مهر اردبیل

اسلام کرمی^۱ - استادیار گروه معماری، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.
پریسا محمدحسینی - کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۰۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۰/۲۸

چکیده

مجتمع‌های مسکن مهر نشانه‌ای از معضل افزایش تراکم ساختمانی در شهرسازی امروز محسوب می‌شوند که دارای تبعات اجتماعی بسیاری هستند. مسائل انسانی و اجتماعی که در ساخت این مجتمع‌ها مغفول مانده، به واسطه محیط کالبدی قابل اصلاح و بهبود است. از این رو، هدف از تحقیق حاضر که به منظور ارتقای هویت و سرزندگی اجتماعی در ساختارهای معاصر شهری انجام یافته است، بررسی تأثیر فضاهای اجتماع‌پذیر بر پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی در نمونه‌های موردی یعنی سه مجتمع مسکن مهر اردبیل، نیایش، وحدت، و اندیشه است. فرضیه تحقیق این است که وجود فضاهای عمومی اجتماع‌پذیر در مجتمع‌های مسکونی مهر اردبیل با پایداری اجتماعی این مجتمع‌ها رابطه معنی‌داری دارد. روش تحقیق مقاله حاضر، روش ترکیبی کمی و کیفی، با استفاده از راهبردهای استدلال منطقی، تطبیقی و همبستگی است. پیمایش از طریق تحلیل داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و تحلیل محتوای مصاحبه‌ها و انجام مشاهدات صورت گرفته است. نتایج حاصل از آزمون داده‌ها مبین این موضوع است که وجود فضاهای اجتماع‌پذیر بر افزایش سطح پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی تأثیرگذار است؛ موضوعی که به وسیله مصاحبه‌ها و مشاهدات نیز تأیید گردید. از طریق انطباق داده‌های حاصل از تحلیل پرسشنامه‌ها، مصاحبه‌ها و مشاهدات، متغیرها و ویژگی‌های محیطی مرتبط با اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی مجتمع‌های مسکونی استخراج و دسته‌بندی شد. در پایان اشاره می‌شود که راهکارهای ایجاد فضاهای اجتماع‌پذیر چون فضاهای سبز، فضاهای بازی کودکان، مراکز تجاری و مراکز فرهنگی، اندازه مناسب کالبدی-اجتماعی فضا، بهبود آسایش زیستی و تنوع بصری، نقش بسزایی در تأمین اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی و از این رو ارتقای پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی دارند.

واژگان کلیدی: پایداری اجتماعی، اجتماع‌پذیری، مسکن مهر، مجتمع مسکونی.

۴۳

شماره بیست‌وششم

بهار ۱۳۹۷

فصلنامه
علمی-پژوهشی

مطالعات
معماری

بررسی تأثیر اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی
بر پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی

۱. مقدمه

امروزه تولید انبوه مسکن از طریق افزایش تراکم ساختمانی، خود معضلی است که حاصل سیاست‌های کلان در حوزه‌های اقتصادی است. این امر با ایجاد فرصت‌های سودآور در صنعت مسکن در کشورهای تولیدکننده نفت به دلیل رشد سریع شهر و شهرگرایی (Shokoi, 2006) و در نظر گرفتن زمین به عنوان کالای مفید اقتصادی به دلیل عدم امکان تولید، جابه‌جایی و فساد (Pourmohammadi, 2007: 120) مطرح شد. با توجه به افزایش تقاضای بالقوه مسکن، تلاش دولت برای جبران نقیصه مسکن از طریق احداث مجتمع‌های مسکونی (Abedin Darkush, 2004: 148) مصداق موضوع یاد شده است. عدم توجه به انسان و ارزش‌های انسانی و نگرش توده‌ای به انسان‌ها به جای گروه‌های اجتماعی هدفمند و آغاز محرومیت اجتماعی به خصوص برای کودکان در برنامه‌ریزی و طراحی مجتمع‌های مسکونی (Sajjadi et al., 2011) و عدم امکان تأمین مسکن مناسب و متناسب با نیازها و ارزش‌های انسانی به دلیل نگرش صرفاً اقتصادی و تولیدی به بخش مسکن (Golabchi, et al., 2014)، از نتایج ساخت مجتمع‌های مسکونی و تولید مسکن در مقیاس انبوه است.

مجتمع‌های مسکن مهر نیز به عنوان مجتمع‌های زیستی جدید در حاشیه شهرهای ایران (استفاده از اراضی حاشیه شهر برای کاهش هزینه زمین) با وجود توجه به تجارب ناموفق کشورهای دیگر در سیاست‌های تأمین مسکن و تجربه بازسازی اطراف خیابان شهید نواب صفوی تهران (Piribabai & Karami, 2011) احداث شده‌اند که با وجود تخصیص یارانه‌های مسکن و وام‌های کمکی، چه بسا تکمیل نهایی آنها تا امروز ادامه دارد. مسکن مهر در قالب سه گروه کارمندی، کارگری و آزاد شکل گرفته است. اصول در نظر گرفته شده در طرح مسکن مهر عبارتند از انبوه‌سازی، کوچک‌سازی و بلندمرتبه‌سازی (Abdiyan, 2010). بدیهی است، این مجتمع‌های زیستی تا مدت‌ها محل سکونت انسان‌هایی است که با در نظر گرفتن نقش مکان در شرافت انسانی و همچنین نقش محیط کالبدی به عنوان ظرف فعالیت‌های انسانی در انسجام اجتماعی، رفاه شخصی و استقلال فردی، تبعات اجتماعی و فرهنگی آنها کمتر از تبعات اقتصادی مدنظر نخواهد بود. انسان‌ها در فرایند توسعه پایدار نقشی اساسی دارند و بی‌توجهی به عوامل اجتماعی در خلال فرایند توسعه، اثربخشی برنامه‌ها و پروژه‌های گوناگون توسعه را با مخاطره جدی مواجه می‌سازد (Jomepour, et al., 2012).

با توجه به مطالب یادشده، اهمیت تحقیق حاضر توجه به پایداری اجتماعی و الزام در خلق فضاهای اجتماعی‌پذیر برای جوامع انسانی به عنوان سرمایه اجتماعی، در روند توسعه شهرها در عصر بحران هویت اجتماعی و حرکت سیاست‌های توسعه مسکن به سمت بلندمرتبه‌سازی و نیاز به باززنده‌سازی مفاهیم اجتماعی در توسعه‌های جدید مسکن است. از این رو، فرضیه تحقیق حاضر این است که وجود فضاهای عمومی اجتماعی‌پذیر در مجتمع‌های مسکونی مهراردبیل (نیایش، اندیشه و وحدت) با پایداری اجتماعی این مجتمع‌ها رابطه معنی‌داری دارد. روش

تحقیق در مقاله حاضر، روش ترکیبی کمی و کیفی (پرسشنامه، مصاحبه، و مشاهده) و با استفاده از راهبردهای استدلال منطقی، تحلیل محتوا، تطبیقی و همبستگی است. تحقیق در پی پاسخ به پرسش‌های زیر است:

- اجتماع‌پذیری فضاها و عوامل مؤثر بر آن در مجتمع‌های مسکن مهراردبیل چگونه تأمین شده است؟

- مجتمع‌های مسکن مهراردبیل از لحاظ پایداری اجتماعی در چه شرایطی قرار دارند؟

- چه رابطه‌ای میان وجود فضاهای اجتماعی‌پذیر و پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکن مهراردبیل وجود دارد؟

۲. چارچوب نظری

۲.۱. اجتماع‌پذیری فضا

با توجه به این که رسیدن به پایداری اجتماعی، افزایش میزان تعاملات اجتماعی و کاهش میزان تناقضات و تنش‌ها و در نهایت افزایش تعلق خاطر و ارزش مادی و معنوی سکونتگاه‌ها را در پی دارد؛ لازم است فرصت‌های مشارکت جمعی و تعاملات انسانی ایجاد و تقویت گردد. این امر مستلزم بهره‌گیری توأمان از ظرفیت‌های انسانی و فضایی-کالبدی است. آنچه بیش از ابعاد کالبدی در حضور و تعامل اجتماعی افراد مؤثر است، پیش‌بینی و خلق رویدادهای اجتماعی است (Lennard, 1984). «اجتماع‌پذیری در فضای شهری در آغاز امری عینی است که به واسطه کیفیت ظهور عوامل فیزیکی موجودیت می‌یابد. اگرچه فضای شهری در ابتدا از طریق کالبد درک می‌شود، اما آنچه به آن معنی می‌بخشد، احساس و ذهنیت افراد است (Mansoori, 2016: Jahanbakhsh, 63)». ابعاد احساسی و موقتی تجارب افراد در محیط به مثابه اجزای لاینفک تعاملات افراد و محیط زندگی شناخته شده است. این امر بر پیوستگی فضای زندگی افراد و ادراک آنها از فضای زندگی شان دلالت دارد (Bonaiuto & Bonnes, 2000). از این رو، دل‌بستگی به مکان نه تنها به وسیله وجوه فیزیکی تقویت می‌شود، بلکه کیفیت رفتارها و تعاملات اجتماعی در فضا نیز بر دل‌بستگی به فضا مؤثر هستند (Poll, 2002). در قلمروهای عمومی شهری الگوهای تعامل اجتماعی و قابلیت‌های فضای معماری دارای اهمیت ویژه‌ای هستند. در فضاهای عمومی اجتماع‌پذیر توفیق ملاقات برای گروه‌های مختلف به دست می‌آید و از همین رو مقره‌هایی اند که به حیات و هویت جمعی تعلق دارند (Lang, 2002). با در نظر گرفتن دو نوع محیط اجتماع‌پذیر و محیط اجتماع‌گریز می‌توان گفت «محیط‌های اجتماع‌پذیر موجب تشویق و ترغیب رفتارهای اجتماعی و جمعی می‌گردند و محیط‌های اجتماع‌گریز تحولات اجتماعی را کم می‌نمایند (Osmand, 1957: 26)». بنابراین ایجاد فضاهای دعوت‌کننده متناسب با اقلیم و قابلیت‌های سایت و با در نظر گرفتن ویژگی‌های فرهنگی و بافت اجتماعی و اقتصادی موجب ایجاد مشارکت مردمی فعال و غیرفعال و تقویت حیات جمعی می‌شود.

فرایند اجتماع‌پذیری در درون فضاهای عمومی مبتنی بر چهار مرحله است: «پذیرا بودن فضا برای حضور افراد، تأمین آسایش

روانی و فیزیکی، لذت بردن از حضور در فضا و تداوم حضور اجتماعی فعال در فضا (Daneshpour & Charkhchian, 2007: 26). شجاعی و پرتوی، به منظور سنجش اجتماع‌پذیری فضاهای عمومی سه بعد اجتماعی، کالبدی و فعالیتی را در نظر گرفته‌اند و در این چارچوب مؤلفه‌هایی چون دسترسی، راحتی، حفاظت، تسهیلات، انعطاف‌پذیری، تعاملات اجتماعی، راحتی، حفاظت، حضور مردم و فعالیت را بررسی کرده‌اند (Shojaee & Partovi, 2015). محمدی و آیت‌اللهی، مؤلفه‌ها و ابعاد مؤثر در اجتماع‌پذیری فضا را دارای دو وجه کالبدی چون موقعیت قرارگیری و دسترسی‌ها، فرم، هندسه، تناسب، تنوع و سامان‌دهی فضا و وجه فعالیتی چون ابعاد، ارزیابی عملکردی فضاها، نحوه استفاده کاربران از فضا، مشکلات و موانع تحرکات کاربران و ویژگی‌های اجتماعی انجام فعالیت می‌دانند (Mohammadi & Ayatollahie, 2015). برخی فضای کالبدی را چون سامانه‌ای فضایی می‌دانند که مشخصه‌های این سامانه فضایی بر تعاملات جمعی کاربران مؤثر است (Pasalar, 2003). مشخصه‌های فضایی که خود موجب تشکیل کانون‌های فعالیت و اشتیاق به فعالیت در قسمت‌هایی خاص از فضا می‌گردد؛ ویژگی‌هایی چون حضور عناصر طبیعی، چشم‌اندازهای طبیعی، مصالح طبیعی (Daneshgar Moghadam, et al., 2011) و وجود عوامل کالبدی مانند مبلمان و کیفیت عناصر محیطی Mardomi (Qamari, 2011). مؤنثرو مشخصه‌های فضای عمومی اجتماع‌پذیر را چنین بر می‌شمرد: امنیت، ساختار منسجم، تداوم، خوانایی، قلمرو، وجود تسهیلات مناسب، راحتی و آسایش محیطی، آموزش، پیچیدگی و رمزآلودی، تنوع، خلوت، دلبستگی و تعاملات اجتماعی (Avila Montero, 2001). نقره‌کار و همکاران، به منظور بررسی «اجتماع‌پذیری در حیاط خانه ایرانی» پنج معیار کالبدی، زمینه‌ای، روانی-شخصیتی، رفتاری-فعالیتی و معنایی را در نظر گرفته‌اند (Noqrekar, et al., 2014).

باتوجه به مبانی نظری مربوطه و آرای صاحب‌نظران، تأمین بعد اجتماعی فضاهای عمومی در مجتمع‌های مسکونی نیاز به شناخت نیازهای ساکنان و گروه‌های مختلف استفاده‌کنندگان از فضا و از طرفی شناخت امکانات و قابلیت‌های کالبدی فضا دارد. بنابراین می‌توان گفت اجتماع‌پذیری فضا، دارای ابعاد کالبدی، انسانی و اجتماعی است که مکمل و ارتقادهنده یکدیگرند. در این میان بعد کالبدی که ناظر بر ویژگی‌های کالبدی-ساختاری و کیفیت محیطی است، بعد غالب اجتماع‌پذیری فضا است. چراکه در مقوله اجتماع‌پذیری فضا بعد کالبدی زمینه‌ساز ابعاد اجتماعی، انسانی و رفتاری محسوب می‌شود. از این رو در تحقیق حاضر در مدل تنظیم شده به منظور پیش‌برد پژوهش، ابعاد کالبدی

اجتماع‌پذیری فضا در نظر گرفته شده است (دیاگرام شماره ۱). در دیاگرام یادشده مفهوم اجتماع‌پذیری فضا به مؤلفه‌ها و متغیرهایی تفکیک شده است. مؤلفه‌های امنیت کالبدی، هویت‌مندی، انتظام فضایی، چندمنظوره بودن، بازی‌پذیری و آسایش زیستی شاخص‌های کیفیت فضا هستند که با تسهیل فعالیت، پذیرا ساختن محیط برای حضور افراد، تعامل اجتماعی و لذت از محیط، دعوت‌کنندگی و انعطاف‌پذیری بر کم‌ویف اجتماع‌پذیری فضا تأثیر می‌گذارند (دیاگرام شماره ۱).

۲.۲. پایداری اجتماعی

برای توسعه پایدار سه فاکتور زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته شده است. «کنفرانس ریو در سال ۱۹۹۲ پایداری اجتماعی را به عنوان حق زندگی مناسب و معقول بین‌نسلی، فرانسلی و عدالت اجتماعی بین‌المللی معرفی کرد (Samimi Far & Hamze Nejad, 2013: 122)». پایداری اجتماعی به «توانایی جامعه برای حفظ و نگهداری ابزارهای ضروری ایجاد رفاه و مشارکت اجتماعی و حفظ ثبات مؤلفه‌های اجتماعی برای گسترش یکپارچگی و انسجام اشاره می‌کند (Meshkini, et al., 2013: 208)». به نظر می‌رسد هیچ اجماع نظری در حیطه نظری و بحث‌های مدیریتی و اجرایی در رابطه با شاخصه‌های پایداری اجتماعی شهری وجود ندارد و «هر صاحب‌نظر و سیاست‌گذاری با توجه به معیارهای خاص و با چشم‌انداز آینده، تعریفی از پایداری اجتماعی را ارائه می‌دهد (Davidson, 2010: 879)». باین حال، غالب ابعاد موردنظر برای پایداری اجتماعی شامل جوانی از خواست‌ها و نیازهای انسانی است که لازمه تعامل و ارتباط بین انسانی مطلوب و رشد فردی و جمعی جوامع انسانی است. پایداری اجتماعی ملازم با عدالت اجتماعی و اقتصادی است که موجب رشد و پیشرفت انسانی و رسیدن به سطحی استاندارد برای تأمین نیازهای درونی و بیرونی است (Balaceanu, et al., 2012). عدالت اجتماعی، مهم‌ترین و اثرگذارترین شاخص در رسیدن به پایداری اجتماعی محسوب می‌شود.

وودکرفت عوامل پایداری اجتماعی شهر را عدالت اجتماعی درون نسلی و بیرون نسلی، مشارکت و دموکراسی محلی، بهداشت، کیفیت زندگی و رفاه، ریشه‌کن کردن محرومیت اجتماعی، سرمایه اجتماعی، تعامل اجتماعی، ایمنی، توزیع عادلانه درآمد، نظم اجتماعی، حس اجتماعی و تعلق، سنت‌های فرهنگی و سازمان‌های اجتماعی فعال می‌داند (Woodcraft, 2012). تین و همکارانش توسعه پایدار اجتماعی را شامل چهار معیار اصلی عدالت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت و امنیت معرفی



دیاگرام شماره ۱: مؤلفه‌های کالبدی اجتماع‌پذیری فضا

کرده‌اند (Thin, et al., 2002). کولانتونیو نیز در تحقیقات خود نشان می‌دهد که پایداری اجتماعی ترکیبی از اصول سنتی اجتماعی از قبیل نیازهای اولیه و اساسی (مسکن و بهداشت)، اشتغال، آموزش، برابری و عدالت اجتماعی و مفاهیم جدیدی که کمتر قابل اندازه‌گیری هستند مانند هویت، حس مکان، خوشبختی، رفاه و کیفیت زندگی است (Colantonio, 2008). ویلیامز در این راستا به عواملی چون دسترسی به امکانات، فضای سبز، فرصت‌های شغلی، حمل و نقل عمومی، فرصت‌هایی برای قدم زدن و دوچرخه سواری، سلامت و بهداشت عمومی، جدایی‌گزینی اجتماعی کمتر، بالابردن فرصت‌های شغلی برای افراد با مهارت پایین، فضای مسکونی و مسکن مقرون به صرفه اشاره می‌کند (Williams, 2004: 31).

شهائیان و پیرایه‌گر، برای رسیدن به توسعه پایدار اجتماعی، به دسترسی آسان به خدمات شهری برای همگان، کاهش استفاده از وسیله نقلیه شخصی، ارتقای بهداشت و سلامت شهروندان، توجه به گروه‌های کم‌توان و کودکان، توزیع عادلانه امکانات، تقویت حس تعلق و هویت فرهنگی در شهر و جلوگیری از انواع آلودگی‌ها توجه کرده‌اند (Shahabian & Piraegeer, 2013). هاشم‌نژاد و همکاران، راهکارهای «طراحی عرصه‌های جمعی چندمنظوره در فضاهای عمومی» در بعد تعامل اجتماعی و «طراحی اقلیمی» در بعد رفاه اجتماعی را دارای بیشترین اهمیت برای کسب پایداری اجتماعی در برنامه‌های مسکن می‌دانند (Hashemnejad, et al., 2015). هادیزاده زرگو و همکاران مؤلفه‌های امنیت، مشارکت و کیفیت زندگی را شاخص‌های پایداری اجتماعی در نظر گرفته‌اند (Hadizadeh Zargar, et al., 2013). جمعه‌پور و ابراهیمی مؤلفه‌های مشارکت، کیفیت زندگی، امنیت و مطلوبیت محیطی را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که شاخص‌های حفاظت در مقابل جرم و جنایت، عدالت اجتماعی و رضایت از کیفیت دسترسی به خدمات دارای بیشترین سهم در تحقق پایداری مجتمع‌های مسکونی است (Jomepour & Ebrahimi, 2005). سجادی قائم‌مقامی و همکاران، به منظور سنجش پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی به شاخص‌های مهمی چون آسایش درون خانه، بازی‌پذیری فضاهای باز و چندمنظوره برای کودکان، هویت اجتماعی و نظم اجتماعی اشاره کرده‌اند (Sajjadi, et al., 2011).

با مذاقه در مؤلفه‌ها و مفاهیم پایداری اجتماعی اشاره شده در آرای صاحب‌نظران، این موضوع آشکار می‌شود که ابعاد اجتماعی شاخصه‌های اساسی برای ارزیابی پایداری اجتماعی هستند، چرا

که این ابعاد توأمان پیامد رضایت محیطی و اجتماعی قلمداد می‌شوند. از این رو در مدل پایداری اجتماعی تحقیق حاضر (دیاگرام شماره ۲)، ابعاد اجتماعی در نظر گرفته شده است که رضایت از کالبد و محیط را نیز در بطن خود دارند. مؤلفه‌های مشارکت و تعامل اجتماعی مربوط به ارتباطات بین انسانی و رشد جمعی و میزان همبستگی اجتماعی است که جزء لاینفک پایداری اجتماعی محسوب می‌شود. مفهوم حس اجتماعی به این معنی است که فرد با داشتن حس اجتماعی خود را جزئی از جامعه و دارای ارتباط متقابل با دیگر اعضا می‌داند. با تقویت حس اجتماعی و تعاملات، تعلق اجتماعی شکل می‌گیرد که مؤلفه‌های مهم در سنجش میزان پایداری اجتماعی است. چراکه نشانگر میزان وابستگی فرد به جامعه است. هویت اجتماعی مؤلفه‌ای است که به ویژگی‌های فرهنگی-اجتماعی و شخصیتی فرد و محیط انسانی و کالبدی بستگی دارد و هماهنگی میان این ابعاد به ارتقای آن کمک می‌کند. فضاهای عمومی عرصه‌ای برای بروز ابعاد اجتماعی یادشده است. بنابراین قابلیت‌ها و کیفیت کالبدی فضا در وضعیت این ابعاد نقش بسزایی دارد. از این رو، نقش اجتماع‌پذیری فضا برای رسیدن به پایداری اجتماعی بسیار حائز اهمیت می‌نماید، گرچه کمتر مورد تحلیل و بررسی دقیق قرار گرفته است (دیاگرام شماره ۲).

۳. روش

روش تحقیق حاضر ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی است، بعد کمی راهبرد پژوهش به منظور آزمون فرضیه تحقیق، راهبرد همبستگی است. در این راهبرد ثبت ارتباط طبیعی میان متغیرها مورد نظر است و یکی از امتیازهای مهم آن، قابلیت مطالعه گسترده وسیعی از متغیرهاست (Grote & Wang, 2009). ضمن بررسی تحقیقات پیشین و انجام مطالعات اسنادی، اصول و مؤلفه‌های شکل دهنده مفاهیم اجتماع‌پذیری فضا و پایداری اجتماعی به صورت مدل‌های مفهومی مطابق دیاگرام‌های شماره ۱ و ۲، به دست آمده است. به منظور سنجش اجتماع‌پذیری فضا، مؤلفه‌های بعد کالبدی این مفهوم و برای ارزیابی پایداری اجتماعی به ابعاد انسانی و اجتماعی آن پرداخته شده است. در واقع به طور کلی تأثیر ابعاد کالبدی فضا بر ابعاد انسانی و اجتماعی استفاده‌کنندگان از فضا مورد سنجش واقع شده است. گفتنی است عدم پرداختن به ابعاد دیگر مفاهیم جزو موانع و محدودیت‌های پژوهش محسوب می‌گردد. برای سنجش و ارزیابی مؤلفه‌های یادشده در نمونه‌های موردی (مجتمع‌های



دیاگرام شماره ۲: متغیرها و مفاهیم اجتماعی پایداری اجتماعی

مسکن مهرنیایش، وحدت و اندیشه)، پرسشنامه‌هایی حاوی سی سؤال با گویه‌های پنج‌گزینه‌ای طیف لیکرت (کاملاً موافق تا کاملاً مخالف) تنظیم شد. سئوال‌ات مربوط به پایداری اجتماعی، پرسش از وجود روابط، تعاملات، مشارکت، حس هویت و حس اجتماعی میان ساکنان مجتمع و چگونگی آن بود. پرسش‌های مربوط به اجتماع‌پذیری فضا در بعد آسایش محیطی در رابطه با رضایت از امکانات، مصالح، نحوه اجرا و سهولت فعالیت در فضاهای عمومی بود. در بعد بازی‌پذیری فضاها از وجود فضاهای بازی، امکانات، کیفیت و امکان نظارت والدین بر آنها سؤال شد. در بعد چندمنظورگی فضا امکان انجام فعالیت‌های مختلف و وجود عناصر دعوت‌کننده برای جذب گروه‌های مختلف بررسی شد. در بعد هویت‌مندی فضا از حس تعلق و دلبستگی به فضاهای عمومی مجتمع سؤال شد. در بعد انتظام فضایی از موقعیت، دسترسی، اندازه و بهداشت فضاهای عمومی سؤال شد و در بعد امنیت وجود احساس امنیت کالبدی، و عدم وجود مزاحمت در فضاهای عمومی پرسش شد. جامعه آماری تحقیق خانواده‌های ساکن در سه مجتمع اندیشه، نیایش و وحدت (تقریباً چهار هزار خانوار) می‌باشد. پرسشنامه‌ها متناسب با تعداد خانوار هر مجتمع و با رعایت همپوشانی کامل واحدهای مسکونی از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای منظم در میان ۳۰۰ خانواده توزیع شد. صحت سئوال‌ات پرسشنامه (اعتبار درونی) از طریق تعیین میزان ضریب آلفا کرونباخ از ۱۰ درصد جامع آماری که میزان ۰/۷۶ بود، تأیید گردید. در نهایت داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. به این منظور از آزمون‌های پارامتریک تی تک نمونه‌ای برای بررسی تفاوت وضع موجود با معیار مقایسه و آزمون پیرسون برای تحلیل همبستگی میان اجتماع‌پذیری فضا و پایداری اجتماعی استفاده شده است (Karami, et al., 2017: 174-80).

در بعد کیفی از مصاحبه و مشاهده و روش تحلیل محتوا و استدلال منطقی به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های حاصل از آنها استفاده شد. آنچه در قالب برقراری روابط بین مفاهیم و مقدمات موجود از طریق فرایند استدلال منطقی مدنظر است، «ثبت کمی عینیات و تحلیل نتایج و اطلاعات به دست آمده از تجارب عینی مبتنی بر اقامه دلایل عینی، مشاهده‌پذیر و قابل آزمون است (Mirjani, 2010: 44)». روند مصاحبه‌ها به صورت ساختاریافته بوده و در هر سؤال پرسشنامه، برای تحلیل مناسب پاسخ‌ها و ارتباط مناسب با پاسخ‌دهندگان، از آنها خواسته شد که ارائه نظر و بیان علت نمایند. به دلیل نقد صحیح، برای پرهیز از جهت‌دهی به ذهنیت پاسخ‌دهندگان، در صورت رضایت آنها از یک موضوع، سعی شد عوامل مؤثر بر رضایت بیان گردد تا نکات مثبت نیز مورد ارزیابی واقع شود. راهبرد تحقیق در این مرحله راهبرد تطبیقی بود که به منظور درک تنوع‌ها الگوهای مشابهت و گوناگونی- از طریق مطالعه ویژگی‌های آنها در بین تعداد متوسطی از نمونه‌ها انجام می‌شود. از اهداف اصلی این راهبرد، برقرار نمودن رابطه علت و معلولی میان الگوها از طریق انجام مقایسه‌های گروهی و ویژگی‌های آنهاست (C.Ragin, 1994). از

این روداده‌های حاصل از مطالعات میدانی براساس شباهت‌ها و همچنین میزان تکرار در مصاحبه‌ها دسته‌بندی و تحلیل گردید. کنش‌ها و رفتارهای انسانی در رابطه با اجتماع‌پذیری فضاها نیز از طریق مشاهده مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تعیین و شمارش فراوانی مضامین و مقوله‌ها و نتیجه‌گیری براساس آنها، از «تحلیل محتوای کمی» که فن پژوهشی برای توصیف عینی، نظام‌مند و کمی محتوای مطلب است، با رویکرد توصیفی استفاده گردید (Iman & Noshadi, 2011: 19-20). مضامین برگرفته از مصاحبه‌ها و مطالعات میدانی در قالب «ویژگی‌های محیطی مرتبط با اجتماع‌پذیری» دسته‌بندی گردید و سعی شد اطلاعات آماری و کمی از فراوانی آنها در هر مجتمع به صورت تطبیقی ارائه گردد.

۴. معرفی نمونه‌های موردی

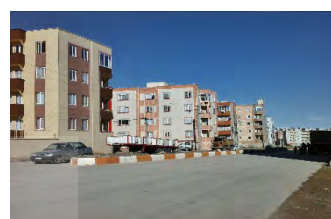
نمونه‌های موردی تحقیق حاضر، سه مجتمع مسکونی مهر اندیشه، نیایش و وحدت در شهر اردبیل است که در حاشیه شهر احداث شده‌اند (تصویر شماره ۱). هدف از اجرای این پروژه‌ها، چون شهرهای دیگر کشور، تلاش برای خانه‌دار کردن قشر ضعیف و کم‌درآمد بوده است. برای مکانیابی این پروژه‌ها مطالعات اولیه‌ای صورت گرفته و زمین‌های دولتی موجود در حاشیه شهر به این پروژه‌ها اختصاص داده شده است. از آنجا که این مجموعه‌ها به گونه‌ای یکجا و همزمان، برنامه‌ریزی، طراحی و اجرا شده‌اند و در مقیاس چند واحد مسکونی تا ساختمان‌های بلند تا مجموعه‌های بزرگ قرار دارند، در تعریف مجموعه‌های مسکونی جا می‌گیرند (Einifer, 2000). طبق اطلاعات اداره کل راه و شهرسازی اردبیل، مجتمع مسکن مهر اندیشه (پيله سحران) برای چهار هزار خانوار در جنوب شرقی شهر، مجتمع مسکونی نیایش برای دو هزار خانوار در جنوب غربی شهر و مجتمع مسکونی وحدت (میراشرف) برای هزار و ۲۰۰ خانوار در شمال شهر احداث شده که حدود ۴۰ درصد واحدها خالی از سکنه است (تصویر شماره ۲).

۵. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۵/۱. سنجش ابعاد اجتماع‌پذیری فضا در مجتمع‌های مسکونی مهر اردبیل
براساس داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها، از آزمون تی تک نمونه‌ای به منظور سنجش وضعیت موجود اجتماع‌پذیری فضا در مجتمع‌های مسکونی استفاده شده است. میانگین معیار مقایسه که همان میانگین جامعه آماری است، ۳ می‌باشد، بنابراین اختلاف میانگین به دست آمده نشان‌دهنده وضعیت هر متغیر در رابطه با اجتماع‌پذیری فضاهای مجتمع است. در جداول، نتیجه آزمون برای هر متغیر اجتماع‌پذیری فضا به صورت جداگانه و نیز به صورت مجموع در نظر گرفته شده است. یافته‌های حاصل از بررسی چگونگی تحقق اجتماع‌پذیری فضا و متغیرهای آن در مجتمع‌های مسکونی مهر اردبیل به تفکیک هر مجتمع به شرح زیر ارائه می‌گردد:



تصویر شماره ۱: موقعیت مجتمع های مسکن مهر در شهر اردبیل: ۱. مجتمع اندیشه، ۲- مجتمع نیایش و ۳. مجتمع وحدت (مأخذ: <http://www.earth.google.com>)



تصویر شماره ۲: از راست، مجتمع اندیشه، مجتمع نیایش و مجتمع وحدت

نسبتاً مطلوبی قرار دارد. با این حال پاسخگویان نتوانسته اند حس قرابت، دل بستگی و احساس هویت مطلوبی در رابطه با فضاهای عمومی مجتمع داشته باشند؛ که با توجه به سابقه کم سکونت در این مجتمع قابل توجیه است. نبود فضاهای بازی کودکان و عدم بازی پذیری فضاهای عمومی موجب کم بودن میزان این مؤلفه شده است (تصویر شماره ۳). گفتنی است که تنها فضای سرپوشیده عمومی برای جمع شدن اهالی، مسجد مجتمع است (تصویر شماره ۴).

۵.۱.۱. مجتمع مسکونی نیایش

طبق نتایج جدول شماره ۱ میزان معنی داری به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ و معتبر است. می توان نتیجه گرفت که میزان برخورداری مجتمع مسکونی نیایش از اجتماع پذیری فضا و ابعاد آن در حد متوسط است و همچنین با توجه به میانگین نمونه آماری و اختلاف میانگین، متغیر آسایش محیطی در بهترین وضعیت و متغیر هویت مندی در ضعیف ترین حالت قرار دارد. این امر حاکی از آن است که این مجتمع از لحاظ زیرساخت ها، جنس مصالح و اجرا، سهولت حرکت و راحتی استفاده از فضاهای عمومی در وضعیت

جدول شماره ۱: نتایج آزمون تی تک نمونه ای برای سنجش وضعیت موجود اجتماع پذیری فضا در مجتمع مسکونی نیایش

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مقدار مقایسه = ۳		
			اختلاف میانگین	t	درجه آزادی
اجتماع پذیری	۳/۴۳	۰/۴۰	۰/۴۳	۶/۱۰	۹۹
آسایش زیستی	۳/۵۹	۰/۶۹	۰/۵۹	۸/۶۱	۹۹
بازی پذیری	۳/۳۰	۰/۷۲	۰/۳۰	۴/۱۳	۹۹
چند منظوره بودن	۳/۴۶	۰/۶۴	۰/۵۳	۸/۳۷	۹۹
هویت مندی	۳/۲۲	۰/۶۱	۰/۲۲	۳/۵۵	۹۹
انتظام فضایی	۳/۴۶	۰/۵۸	۰/۴۶	۷/۸۱	۹۹
امنیت	۳/۴۵	۰/۶۳	۰/۴۵	۷/۱۰	۹۹



تصویر شماره ۴: مسجد، تنها مکان عمومی در مجتمع نیایش



تصویر شماره ۳: نبود فضای بازی کودکان در مجتمع نیایش

۵.۱.۲. مجتمع مسکونی وحدت

طبق نتایج جدول شماره ۲ میزان برخورداری مجتمع مسکونی وحدت از اجتماع پذیری فضا و ابعاد آن در حد پایین تر از متوسط قرار دارد و با توجه به میانگین نمونه آماری و اختلاف میانگین، متغیرهای آسایش محیطی، بازی پذیری، چند منظوره بودن و هویت مندی در وضعیت نامطلوبی قرار دارند و فقط دو متغیر انتظام فضایی و امنیت در وضعیت حد متوسط و بالای متوسط قرار دارند. در مجموع متغیر اجتماع پذیری در این مجتمع در وضعیتی نامساعد (اختلاف میانگین $-0/۸۹$) قرار دارد. طبق داده‌های حاصل از پرسشنامه‌ها از جمله علت‌های این موضوع ضعف در زیرساخت‌ها و نحوه اجرا و ساخت (تصویر شماره ۵)، نبود فضاهای مناسب بازی کودکان و امکان نظارت بر آنها، نبود امکان استفاده و کاربردی کردن فضاها برای استفاده‌های مختلف و نبود امکان برقراری ارتباط نزدیک و دل بستگی به فضاهای عمومی (تصویر شماره ۶) است. از طرفی به علت فاصله زیاد این مجتمع از شهر، ورود به آن موجب ایجاد حس امنیت در ساکنان می‌شود. از دسترسی و موقعیت فضاهای عمومی نیز

رضایت نسبی وجود دارد.

۵.۱.۳. مجتمع مسکونی اندیشه

طبق نتایج جدول شماره ۳ میزان معنی داری به دست آمده کمتر از $0/۰۵$ و معتبر است. میزان برخورداری مجتمع مسکونی اندیشه از اجتماع پذیری فضا و ابعاد آن در حد بالای متوسط و در وضعیت مطلوب قرار دارد؛ اختلاف میانگین مؤلفه پایداری اجتماعی در مجموع $0/۶۶$ است. با توجه به میانگین نمونه آماری و اختلاف میانگین، آسایش محیطی در بهترین وضعیت و متغیر بازی پذیری فضاها در ضعیف‌ترین حالت قرار دارد که این امر به نبود فضاهای مناسب برای بازی کودکان اشاره دارد. رضایت از نحوه اجرا و سهولت فعالیت در معابر و فضاهای عمومی به علت رسیدگی به زیرساخت‌ها در حد مطلوبی است. از طرفی در نتیجه وجود فضاهایی چون مرکز خرید (تصویر شماره ۷)، مدرسه ابتدایی (تصویر شماره ۸) و مسجد (تصویر شماره ۹)، ارتباطات اهالی با یکدیگر بیشتر شده و این امر به ایجاد حس اجتماعی و در نتیجه هویت مندی افراد منجر شده است.

جدول شماره ۲: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای سنجش وضعیت موجود اجتماع پذیری فضا در مجتمع مسکونی وحدت

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مقدار مقایسه = ۳		
			اختلاف میانگین	T	درجه آزادی
اجتماع پذیری	۲/۱۱	۰/۸۲	-۰/۸۹	۰/۳۹	۹۹
آسایش زیستی	۳/۰۲	۰/۵۳	-۰/۰۲	۰/۴۷	۹۹
بازی پذیری	۲/۲۵	۰/۵۷	-۰/۷۵	۰/۳۶	۹۹
چند منظوره بودن	۱/۶۰	۰/۵۹	-۱/۴۰	۰/۶۴	۹۹
هویت مندی	۲/۹۶	۰/۴۸	-۰/۰۳	۰/۷۲	۹۹
انتظام فضایی	۳/۴۴	۰/۶۲	۰/۴۴	۷/۰۵	۹۹
امنیت	۳/۵۲	۰/۶۶	-۰/۵۲	۷/۹۳	۹۹

۴۹

شماره بیست و هشتم

بهار ۱۳۹۷

فصلنامه

علمی-پژوهشی

مطالعات

شهرک

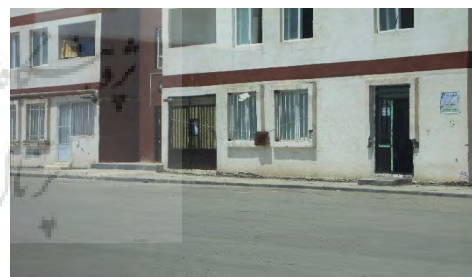
پژوهشی

بررسی تأثیر اجتماع پذیری فضاهای عمومی

بر پایداری اجتماعی مجتمع‌های مسکونی



تصویر شماره ۶: بلوک‌های هم‌شکل و فضاهای یکنواخت و راکد میان آنها در مجتمع وحدت



تصویر شماره ۵: ضعف در ساخت و اجرای ساختمان‌ها در مجتمع وحدت



تصویر شماره ۹: مسجد در مجتمع اندیشه



تصویر شماره ۸: مدرسه ابتدایی در مجتمع اندیشه



تصویر شماره ۷: مرکز تجاری در مجتمع اندیشه

جدول شماره ۳: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای سنجش وضعیت موجود اجتماع پذیری فضا در مجتمع مسکونی اندیشه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مقدار مقایسه = ۳		
			اختلاف میانگین	T	درجه آزادی
اجتماع پذیری	۳/۶۶	۰/۳۹	۰/۶۶	۵/۵۵	۹۹
آسایش زیستی	۳/۹۴	۰/۵۴	-۰/۹۴	۶/۱۰	۹۹
بازی پذیری	۳/۲۶	۰/۵۶	-۰/۲۶	۴/۵۹	۹۹
چند منظوره بودن	۳/۵۳	۰/۵۹	-۰/۵۳	۷/۸۶	۹۹
هویت‌مندی	۳/۹۱	۰/۷۰	-۰/۹۱	۶/۲۷	۹۹
انتظام فضایی	۳/۴۰	۰/۷۰	-۰/۴۰	۵/۷۵	۹۹
امنیت	۳/۵۳	۰/۶۴	-۰/۵۳	۸/۲۴	۹۹

و نبود آشنایی طولانی مدت میان اهالی مرتبط است. البته کمبود فضاهای عمومی که زمینه‌ساز آشنایی و تعامل ساکنان باشد نیز مزید بر علت است.

۵٫۲٫۲ . مجتمع مسکونی وحدت

طبق نتایج جدول شماره ۵ میزان معنی داری به دست آمده برای برخی متغیرها بیش از ۰/۰۵ است که نشان می‌دهد این متغیرها برای پاسخگویان در سطح معنی داری نبوده‌اند. میزان برخورداری مجتمع مسکونی وحدت از پایداری اجتماعی، به غیر از متغیر حس اجتماعی، در وضعیت نامطلوب قرار دارد. به عبارت دیگر، با آن که ساکنان مجتمع پذیرفته‌اند که جزئی از جامعه کوچک اهالی مجتمع هستند، هنوز رابطه نزدیک و صمیمی میان همسایگان و ساکنان مجتمع وجود ندارد. به نظر می‌رسد بنا بر دلایل مختلف، مانند نارضایتی از ابعاد کالبدی و زیستی مجتمع یا زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، تمایل چندانی به ایجاد جمع‌های دوستانه و انجام فعالیت‌های اجتماعی مشارکتی به وجود نیامده است. از این رو مؤلفه تعامل اجتماعی و به تبع حس تعلق و هویت اجتماعی در سطحی پایین قرار دارد.

۵٫۲ . چگونگی تحقق پذیری پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی مهرادبیل

به منظور ارزیابی پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی اقدام به بررسی تفاوت وضع موجود با معیار مقایسه (باتوجه به میانگین جامعه آماری معیار مقایسه ۳ است) از طریق آزمون تی تک نمونه‌ای شده است.

۵٫۲٫۱ . مجتمع مسکونی نیایش

طبق نتایج جدول شماره ۴ میزان معنی داری به دست آمده کمتر از ۰/۰۵ و معتبر است. میزان برخورداری مجتمع مسکونی نیایش از پایداری اجتماعی و ابعاد آن به غیر از متغیر مشارکت و تعامل اجتماعی در حد متوسط و بالای متوسط قرار دارد. در این میان متغیر حس اجتماعی در بهترین وضعیت و متغیر تعامل اجتماعی در ضعیف‌ترین حالت قرار دارد. این موضوع نشان می‌دهد که ساکنان مجتمع خود را جزو جامعه شکل گرفته در مجتمع می‌دانند و به آن حس تعلق دارند؛ گرچه عملاً فقدان رابطه خوب و نزدیک میان همسایگان و عدم مشارکت در کارهای جمعی وجود دارد. این موضوع همان طور که در بحث هویت‌مندی در رابطه با اجتماع‌پذیری فضا اشاره شد، به سابقه کم سکونت (تا ۲ سال)

جدول شماره ۴: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای سنجش وضعیت پایداری اجتماعی در مجتمع مسکونی نیایش

تغیرها	میانگین	انحراف معیار	مقدار مقایسه = ۳		
			اختلاف میانگین	t	درجه آزادی
پایداری اجتماعی	۳/۴۱	۰/۷۱	۰/۴۱	۵/۷۲	۹۹
مشارکت اجتماعی	۲/۸۸	۱/۱۴	-۰/۱۲	۱/۰۴	۹۹
تعامل اجتماعی	۲/۶۸	۱/۳۸	-۰/۳۲	۲/۳۱	۹۹
هویت اجتماعی	۳/۵۲	۰/۸۴	-۰/۵۲	۹/۶۹	۹۹
تعلق اجتماعی	۳/۵۰	۱/۰۱	-۰/۵۰	۴/۹۵	۹۹
حس اجتماعی	۴/۱۸	۰/۸۹	۱/۱۸	۱۳/۲۳	۹۹

جدول شماره ۵: نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای برای سنجش وضعیت پایداری اجتماعی در مجتمع مسکونی وحدت

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مقدار مقایسه = ۳		
			اختلاف میانگین	t	درجه آزادی
پایداری اجتماعی	۲/۸۰	۰/۷۰	-۰/۲۰	۳/۳۰	۹۹
مشارکت اجتماعی	۲/۹۰	۱/۰۶	-۰/۱۰	-۰/۹۳	۹۹
تعامل اجتماعی	۲/۱۶	۱/۲۹	-۰/۸۴	-۰/۶۲	۹۹
هویت اجتماعی	۳/۴۲	۱/۰۸	-۰/۴۲	۳/۸۷	۹۹
تعلق اجتماعی	۲/۷۰	۱/۲۴	-۰/۳۰	۰/۹۲	۹۹
حس اجتماعی	۳/۹۴	۱/۱۰	۰/۹۴	۸/۴۸	۹۹

۵.۲.۳. مجتمع مسکونی اندیشه

طبق نتایج جدول شماره ۶ میزان معنی داری به دست آمده عموماً کمتر از ۰/۰۵ است. میزان برخورداری مجتمع مسکونی اندیشه از پایداری اجتماعی و ابعاد آن در حد متوسط و بالای متوسط قرار دارد. متغیر مشارکت اجتماعی در مطلوب ترین وضعیت قرار دارد. این امر حاکی از این است که در کارهای جمعی میان همسایگان مشارکت نسبی وجود دارد و همسایگان توانسته اند به سطحی از

شناخت از یکدیگر و درک لزوم همکاری با دیگران برای رسیدن به اهداف مشترک برسند. باین حال به علت سابقه کم سکونت و اسکان مداوم خانواده های جدید در واحدهای مسکونی، تعاملات اجتماعی هنوز متزلزل است. بنابراین حس اجتماعی و تعلق و هویت اجتماعی در میان تمام ساکنان مجتمع کاملاً شکل نگرفته است. اما به نظر می رسد زمینه های رونق و رشد این مؤلفه وجود دارد.

جدول شماره ۶: نتایج آزمون تی تک نمونه ای برای سنجش وضعیت پایداری اجتماعی در مجتمع مسکونی اندیشه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	مقدار مقایسه = ۳		
			اختلاف میانگین	t	درجه آزادی
پایداری اجتماعی	۳/۹۱	۰/۷۲	۰/۹۱	۱۱/۱۶	۹۹
مشارکت اجتماعی	۳/۷۲	۱/۱۳	۰/۷۲	۱۲/۴۶	۹۹
تعامل اجتماعی	۳/۳۰	۱/۱۲	۰/۳۰	۱۶/۰۳	۹۹
هویت اجتماعی	۳/۳۴	۱/۲۷	۰/۳۴	۱۰/۳۱	۹۹
تعلق اجتماعی	۳/۲۸	۱/۰۰	۰/۲۸	۱۲/۷۸	۹۹
حس اجتماعی	۳/۳۲	۱/۱۹	۰/۳۲	۱۲/۶۷	۹۹

۵.۳. رابطه اجتماع پذیری فضا و پایداری اجتماعی

به منظور سنجش رابطه میان اجتماع پذیری فضا و پایداری اجتماعی از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است. طبق نتایج جدول شماره ۷ سطح معنی داری خطای آزمون برای سطح اطمینان ۰/۹۹ کمتر از ۰/۰۱ است، که این امر نشان دهنده تأیید فرضیه تحقیق و وجود ارتباط معنی دار میان دو متغیر اجتماع پذیری و پایداری اجتماعی در مجتمع های مسکونی مهر اردبیل است. با توجه به مقادیر ضریب همبستگی این موضوع استنباط می شود که در مجتمع اندیشه میزان پایداری اجتماعی

به واسطه اجتماع پذیری فضاها بیش از سایر مجتمع هاست. این مقدار در مجتمع وحدت در تراز بسیار پایینی قرار دارد. در مجموع، با توجه به نتایج آزمون های تی (سنجش وضعیت موجود اجتماع پذیری و پایداری اجتماعی) و آزمون ضریب همبستگی می توان چنین ادعا کرد که هرچه اجتماع پذیری فضاهای عمومی مجتمع ها بیشتر باشد، میزان پایداری اجتماعی در سطح مطلوب تری قرار می گیرد. در ادامه در رابطه با وضعیت کالبدی مجتمع ها و دلایل وجود اجتماع پذیری یا عدم آن در مجتمع ها بحث خواهد شد.

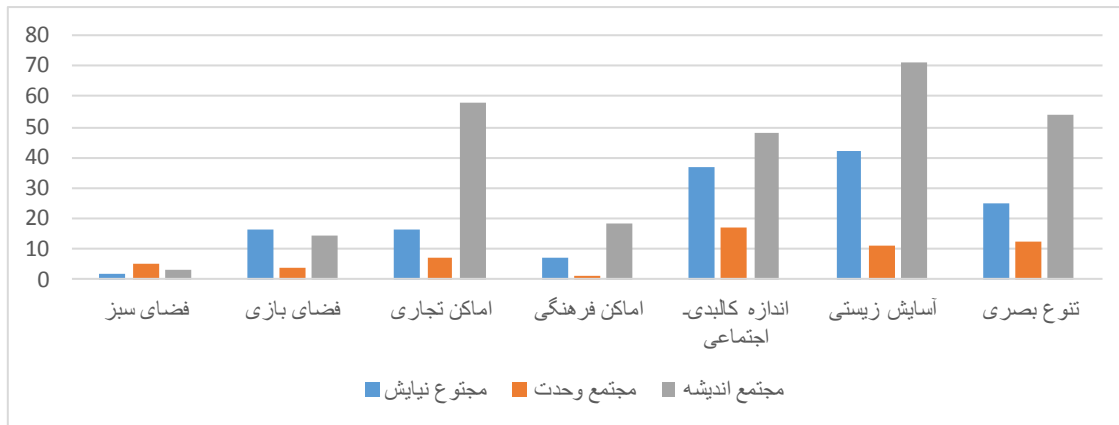
جدول شماره ۷: نتایج آزمون پیرسون برای تعیین رابطه همبستگی میان اجتماع پذیری و پایداری اجتماعی

اجتماع پذیری	آماره ها	پایداری اجتماعی
اجتماع پذیری در مجتمع نیایش	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۶۷۷*
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰
اجتماع پذیری در مجتمع وحدت	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۵۴**
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰
اجتماع پذیری در مجتمع اندیشه	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۷۶۰**
	سطح معنی داری	۰/۰۰۰

۶. بحث

داده های حاصل از بخش پیشین نشان داد که مجتمع اندیشه در مقایسه با دیگر مجتمع ها دارای مطلوب ترین وضعیت از لحاظ اجتماع پذیری فضاهای عمومی و پایداری اجتماعی است، به نحوی که نتایج مصاحبه ها نیز این موضوع و وجود رابطه میان آنها را تأیید می کند. در نمودار شماره ۱۵ به میزان برخورداری مجتمع ها از ویژگی های محیطی براساس داده های حاصل از مصاحبه ها و مشاهدات میدانی اشاره شده است. همان طور که در نمودار نشان داده شده، مجموعه مسکونی اندیشه از لحاظ برخورداری از قابلیت های محیطی در بهترین وضعیت قرار دارد. توزیع فضایی منافع اجتماعی برای کاهش نابرابری های فضایی

و ارتقای کیفیت محیط کالبدی از طریق ارتقای کیفیت زندگی و رسیدن به پایداری مستلزم درک تحلیلی از وضع موجود است که در آن به دنبال تخصیص منابع با مطلوب ترین ترکیب موجود بوده و لازمه آن پژوهش هایی است که شالوده واقعی برای فعالیت های اصلاحی فراهم نماید (Khakpour & Bavan Puri, 2009: 185). در این بخش به تحلیل ساختار فضایی مجتمع ها پرداخته می شود. نتایج حاصل از مصاحبه ها و مشاهدات صورت گرفته مجدداً با داده های منتج از پرسشنامه ها انطباق داده شده و ویژگی های فضایی و متغیرهای محیطی مرتبط با اجتماع پذیری فضاهای عمومی به شرح زیر دسته بندی گردید:



نمودار شماره ۱: ارزیابی میزان بر خورداری ساکنان مجتمع‌ها از ویژگی‌های محیطی مرتبط با اجتماع پذیری

۶.۱.۶. فضاهای اجتماع پذیر

فضاهای اجتماع پذیر که قابلیت زیادی برای جذب افراد دارند، دارای انواع مختلفی هستند. در هر کدام از این فضاها گروه سنی و جنسی یا نوع خاصی از فعالیت مورد نظر است. با این حال می‌توان فضاهای چندمنظوره‌ای را طراحی کرد که حاصل ادغام فضاهای اجتماع پذیر مختلف بوده و در برگیرنده مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و تعاملات انسانی باشند. این فضاها مکان‌هایی پرجنب‌وجوش و پویا و در برگیرنده طیف زیادی از افراد خواهد بود.

۶.۱.۱. فضاهای سبز

در حال حاضر هیچ کدام از سه مجتمع دارای فضای سبز (هر چند اندک) نیستند. این امر به معنی نبود یکی از مهم‌ترین فضاهای اجتماع پذیر و دعوت‌کننده است. وجود درختان و گیاهان متناسب با اقلیم اردبیل در معابر می‌تواند بسیار به طراوت، تنوع بصری و جذابیت محیط کمک کند. این فضاها می‌تواند چون پارک‌هایی باشند که هم امکاناتی برای انواع بازی‌ها و ورزش‌ها دارند و هم مکان‌هایی را برای نشستن و تشکیل جمع‌های دوستانه تأمین می‌کنند.

۶.۱.۲. فضاهای بازی کودکان

در هیچ کدام از سه مجتمع، هیچ‌گونه فضایی برای بازی کودکان در نظر گرفته نشده و کودکان در فضاهای عمومی معابر بازی می‌کنند که گاه نظارت والدین بر آنها وجود ندارد. کودکان مهمترین قشر فعال در فضاهای عمومی مجتمع‌ها هستند. نوع طراحی فضاهای باز مجتمع‌های مسکونی و به کارگیری ایده‌های مؤثر به منظور ایجاد شرایط مناسب برای حضور هرچه بیشتر ساکنان در محوطه مجتمع‌ها و توجه به نیازهای سالمندان و کودکان به عنوان بیشترین استفاده‌کنندگان از فضاهای باز مجموعه‌ها، نقش بسزایی در افزایش حس همسایگی و تعاملات اجتماعی ساکنان مجتمع‌های مسکونی خواهد داشت (Yazdani & Teimuri, 1392).

۶.۱.۳. مکان‌های تجاری

مراکز خرید از مکان‌هایی هستند که افراد به صورت روزمره با آنها

ارتباط دارند. این مراکز محلی برای ارتباط و تعاملات اجتماعی هستند. مجتمع‌های وحدت و نیایش فاقد کاربری‌های تجاری هستند. گرچه بافت غالب مجتمع اندیشه را (همچون دو مجتمع دیگر) بلوک‌های مسکونی شکل داده اما تعدادی فروشگاه در آن وجود دارد که محل ارتباطات اهالی است (تصویر شماره ۷). در هر سه مجتمع فروشنده‌های دوره‌گرد رفت‌وآمد بسیار دارند و تا حدودی مایحتاج اهالی را تأمین می‌کنند.

۶.۱.۴. مکان‌های فرهنگی

مراکز فرهنگی می‌توانند مکان‌های بسیار بااهمیت برای ایجاد زمینه‌های آشنایی و ارتباطات ساکنان مجتمع باشند. در این مراکز فعالیت‌های فرهنگی چون برگزاری انواع کلاس‌های آموزشی برای اقشار مختلف، مراسم مذهبی، جلسات وابسته به امور محلی و ... انجام می‌گیرد. تنها مکان‌های فرهنگی که در این مجتمع‌ها وجود دارد، مساجد در مجتمع‌های اندیشه و نیایش (نیمه‌کاره) و مدرسه ابتدایی در مجتمع اندیشه است. مسجد در مجتمع اندیشه، به‌ویژه در ایام عزاداری محرم، عامل مهمی برای گردهمایی اهالی مجتمع است.

۶.۲. اندازه کالبدی-اجتماعی فضا

اندازه و مقیاس فضاهای عمومی ارتباط تنگاتنگ با بعد روانی استفاده‌کنندگان از فضا دارد. در پروژه‌های مسکن مهر اولویت بر ساخت فضاهای پر مسکونی بوده است و فضاهای بر جا مانده به عنوان فضاهای عمومی قلمداد می‌شوند. فاصله زیاد بلوک‌های مسکونی در مجتمع وحدت موجب از میان رفتن مقیاس انسانی فضاهای عمومی معابر شده است. اندازه فضاهای عمومی برای ایجاد فضاهای ناامن مؤثر است. «مقیاس انسانی فضا همراه با قابلیت نمایانی فرم فضا و آسایش بصری و محیطی موجب افزایش حس امنیت اجتماعی می‌شود (Akbari & Pakbonyan, 2012: 16)». امنیت در مجتمع‌های یادشده در حد متوسط است که با وجود بافت مسکونی مجتمع و فاصله مجتمع‌ها از بافت اصلی شهر قابل توجه است. از طرفی، مقیاس انسانی فضاهای عمومی بستری را برای آشنایی، خوانایی و تعلق به محیط ایجاد می‌کند.

۶.۳. آسایش زیستی

آسایش زیستی در مجتمع‌های مسکونی که نشان‌دهنده میزان راحتی و سهولت در فعالیت و استفاده گروه‌های مختلف از فضاهای عمومی در مواقع مختلف و رضایت از نحوه اجرای ساختمان‌ها و زیرساخت‌هاست، در مجتمع وحدت بسیار کم است. نحوه اجرای زیرساخت‌ها، به خصوص در رابطه با واحدهای مسکونی مناسب نیست. این امر موجب ایجاد نارضایتی بسیار و خالی از سکنه بودن بخش قابل توجهی از مجتمع شده است. در مجتمع نیایش نیز به علت عدم تکمیل اجرای معابر و فضاهای باز فعالیت در این فضاها با مشکل همراه است. در مجتمع اندیشه وجود آسایش زیستی قابل قبول موجب افزایش رضایت عمومی و افزایش جمعیت در این مجتمع شده است. ساخت‌وساز مربوط به بافت مجتمع و معابر مناسب‌تر همچنان در حال اجرا و تکمیل است. آسایش زیستی رضایت از محیط را به همراه دارد و در پی آن تمایل به حضور در محیط و لذت بردن از آن و در نتیجه تعاملات انسانی و حس دل بستگی و تعلق به محیط نیز افزایش می‌یابد.

۶.۴. تنوع بصری

وجود تنوع بصری در فضا عامل مهمی در جذب افراد و ایجاد تمایل به حضور افراد در آن است. در مجتمع وحدت به علت سری‌سازی و استفاده از نقشه‌های واحد در بلوک‌های مسکونی و نبود کاربرهای غیرمسکونی تنوع بصری چندانی (نه در نماها و نه در بافت مجتمع) وجود ندارد (تصویر شماره ۶). در مجتمع نیایش نیز روال ساخت اینگونه بوده است، هرچند ماحصل ساخت چند پیمانکار مجری کمی از یکتاختی کلی کاسته است که این امر در مجتمع اندیشه بسیار به چشم می‌خورد. در این مجتمع وجود کاربری‌های غیرمسکونی نیز موجب تنوعاتی هرچند اندک از لحاظ بصری شده است.

۷. نتیجه‌گیری

مجتمع‌های مسکن مهر اردبیل نمونه‌ای از مجتمع‌های مسکونی هستند که به صورت یک‌جا و بدون لحاظ کردن تمام جوانب انسانی و زیستی احداث شده‌اند. با توجه به این که افراد بسیاری ساکن این مجتمع‌ها هستند و تداوم زندگی در آنها تا نسل‌ها ادامه خواهد یافت، لزوم توجه به پایداری اجتماعی در این مجتمع‌ها احساس می‌شود. در تحقیق حاضر که از طریق روش ترکیبی کمی و کیفی انجام یافته است، نشان داده شد که اجتماع‌پذیر بودن فضاهای عمومی مجتمع‌های مسکونی تأثیر معنی‌داری بر پایداری اجتماعی دارد. اجتماع‌پذیری فضاها که از طریق عواملی چون وجود هویت‌مندی، امنیت و آسایش زیستی در فضاها و نیز چندمنظوره بودن و بازی‌پذیر بودن آنها برای کودکان تأمین می‌شود، به افزایش سطح پایداری اجتماعی در مجتمع‌های مسکونی منجر می‌شود. رسیدن به پایداری اجتماعی که به واسطه بهبود شرایط زندگی و افزایش رضایت از محیط زندگی حاصل می‌شود، نتیجه افزایش حس اجتماعی، تعلق اجتماعی و هویت اجتماعی و از این رو ارتقای تعامل و مشارکت اجتماعی است. در

این میان افزایش ارتباط عاطفی و حس دل بستگی به محیط و تأثیرات روانی و اجتماعی مثبتی که برای ساکنان ایجاد می‌شود، غیرقابل کنمان است.

در پایان، باتوجه به نتایج حاصل از آزمون داده‌های حاصل از پرسشنامه‌های توزیع شده در نمونه‌های موردی، مصاحبه‌ها و مشاهدات صورت گرفته و انطباق یافته‌ها، توجه به راهکارهای زیر برای تأمین اجتماع‌پذیری فضاها و ارتقای پایداری اجتماعی پیشنهاد می‌شود:

- ایجاد فضاهای اجتماع‌پذیر چون فضاهای سبز، فضاهای بازی کودکان، مراکز تجاری و مراکز فرهنگی: این فضاها می‌توانند همچون فضاهای چندمنظوره در نظر گرفته شوند که امکان انجام فعالیت‌های مختلف در آنها و جذب گروه‌های مختلف مردم و از این رو افزایش ارتباطات انسانی را دارند.

- اندازه کالبدی-اجتماعی فضا: این متغیر با احساس امنیت، آشنایی و احساس تعلق به محیط مرتبط است.

- آسایش زیستی: این متغیر رضایت از محیط کالبدی و افزایش تمایل به حضور در فضا را به دنبال دارد.

- تنوع بصری: این متغیر موجب جذابیت و دعوت‌کنندگی فضا می‌شود.

References:

- Aabedin Darkush, S., (2004). In the introduction to urban economics, Vol. 6, Markez_e_nashre_e_Daneshgahi, Tehrn. [in Persian].
- Abdiyan, M. (2010). Assessment of social housing policy in providing low-income group housing, Master's thesis, Tarbiat Modarres University. [in Persian].
- Akbari, R.; Pakbonyan, S., (2012). The effect of the public spaces on the sense of social security of women (Case study: Narmak neighborhood and Ekbatan town of Tehran), Honarha e Ziba Journal Journal, 17th time, No. 2, Summer. [in Persian].
- Avila Montre, M., (2001). Factors that Influence the Social Life and Vitality of Public Open Apaces in Maracaibo – Venezuela. Case Study: Plaza de la Madre and Plaza de la Republaca, Faculty of the Virginia Polytechnic Institute and State University, Virginia.
- Balaceanu, C.; Apostol, D.; Penu, D., (2012). Sustainability and Social Justice, Social and Behavioral Sciences Journal, No. 62 , 677– 681.
- Bonaiuto, M.; Bonnes, M., (2000). Social-Psychological Approaches in Environment –Behavior Studies. In Wapner & J. Demick (Eds), Theoretical perspective in environmentbehavior research, Dordrecht, The

- Analysis, Pazhuhesh Journal, 3rd time. No.2, Fall & Winter. [in Persian].
- Jomepour, M.; Ebrahimi, A., (2005). Measurement and evaluation of the principles of social sustainability in residential complexes, Motaleat e Jameshenakhti e Shahri Journal, 5th time, No. 16, Fall. [in Persian].
 - Jomepour, M.; Najafi, Gh.; Shafia, S., (2012). Investigating the Relationship between Density and Social Stability in Tehran Municipality Areas, Geography va Barnamerizi Mohiti Journal, 23th time, No. 4, Winter. [in Persian].
 - Karami and others (2017). Key topics in the research methodology and essay writing, Pajhuheshhay e Daneshgahe e Tabriz, Tabriz. [in Persian].
 - Khakpour, B.; Bavan Puri, A., (2009). Investigation and analysis of inequality in levels of developmental in different regions of Mashhad, Danesh va toeseh, No. 27, Summer. [in Persian].
 - Lang, J., (2002). Creation of Architectural Theory: The Role of Behavioral Sciences in the Design of the Environment, (translated by A. Ainifer), Tehran University Press, Tehran. [in Persian].
 - Mansoori, S.; Jahanbakhsh, H., (2016). Measurement of Effective Components on Promoting Social Interactions and Social Integrity in Urban Spaces, Case Study: Modarres Street in Kermanshah, Anjoman e Elmi Memari va Shahrsazi Journal, No. 11, Winter. [in Persian]
 - Mardomi, K.; Qamari, H., (2011). Architectural Requirements for Suburban Space Sociability, modiriat e Shahri Journal, 9th time, No. 27, Spring & Summer. [in Persian].
 - Meshkini, A.; Borhani, K.; Shabanzadeh Namini, R., (2013). Spatial Analysis of Urban Sustainability Measurement (Case study: 22 areas of Tehran), Joghrafiya Journal, 11th time, No. 39, Winter. [in Persian].
 - Mirjani, H., (2010). Logical reasoning as a research method, Soffeh Journal, 20th time, No. 50, Spring & Summer. [in Persian].
 - Mohammadi, M.; Ayatollahie, M. H., (2015). Factors Affecting the Sociability of Cultural Monuments, Case Study: Farshchian Cultural Center of Isfahan, Name e Mamari va Shahrsazi Journal, 13th time, No. 15, Summer & Fall. [in Persian].
 - Netherlands.
 - C. Ragin, C., (1994). Constructing Social Research: The Unity and Diversity of Method. University of California, California.
 - Colantonio, A., (2008). Social Sustainability: Linking Research to Policy and Practice, Oxford Institute for Sustainable Development, Oxford Brookes University, Oxford.
 - Daneshgar Moghadam, G.; Bahreini; S. H.; Eini Far; A., (2011). The analysis of the sociability of the physical environment influenced by the perception of nature in the built environment, Honarha e Ziba Journal, 3th time, No.45, Spring. [in Persian].
 - Daneshpour, S.; Charkhchian, M., (2007). Public spaces and factors affecting collective welfare, Bagh-e-Nazar Journal, 4th time, No. 7, Spring and Summer. [in Persian].
 - Dave, S., (2011). Neighbourhood Density and Social Sustainability in Cities of Developing Countries, Sustainable Development Journal, No. 19, 189–205.
 - Davidson, M., (2010). Social Sustainability and the City. Geography Compass Journal, No. 7, 872–880.
 - Einifer, A., (2000). Human_ environmental factors affecting the design of residential complexes, Honarha e Ziba Journal, No.8, Winter. [in Persian]
 - Golabchi, M.; Khalatbari, R.; Fazel, A., (2014). Participation of exploiters in the design process, Constructing the Social Solidarity of Mass Housing in Iran, Case Study: Housing in Parand Industrial Town, modiriat e Shahri Journal, 13th time, No. 35, Summer. [in Persian].
 - Grote, L.; Wang, D., (2009). Research Methods in Architecture, (translated by A. Ainifer), Tehran University Press, Tehran. [in Persian].
 - Hadizadeh Zargar, S.; Nastaran, M.; Ghasemi, V., (2013). Evaluation of Social Sustainability Indices Using the Analytical Network Process (ANP), Jameshenasi e Karbordi Journal, 24th time, No. 3, Fall. [in Persian].
 - Hashemnejad, H.; Feizi, M.; Rezaei, M., (2015). Design Strategies for Creating Sustainability in Housing in the Low-income Group in Tehran, Anjoman e Elmi Memari va Shahrsazi Journal, No. 9, Fall & Winter. [in Persian].
 - Iman, m.; Noshadi, M., (2011). Qualitative Content

[in Persian].

- Thin, N.; Lockhart, C.; Yaron, G., (2002). Conceptualising Socially Sustainable Development. Paper prepared for DFID and the World Bank, DFID, Mimeo.
- Williams, K., (2000). Achieving Sustainable Urban Form: An Introduction, E & FN Spon, London.
- Woodcraft, S., (2012). Social Sustainability and New Communities: Moving from Concept to Practice in the UK, Social and Behavioral Sciences Journal, No. 68, 29 – 42.
- Yazdani, S.; Teimuri, S., (2014). The Impact of Open Spaces of Residential Complexes on Increasing Social Interactions of Residents, (Case Study: Three Residential Complexes in Isfahan), Hoviat e Shahr Journal, 7th time, No. 15, Fall. [in Persian].
- Google earth V 6.2.2.6613. (October 21, 2004). Ardabil, Iran. 38° 14' 42"N, 48° 19' 48"E, Eye alt 12940 feet. <http://www.earth.google.com> [march 20, [2016].
- Noqrekar, A.; Hamze Nejad, M.; Bagheri, H., (2014). Sociability in the courtyard of the Iranian house (recognizing the characteristics of the presence in the courtyard through the analysis of cinematic sequences), Anjoman e Elmi Memari va Shahrsazi Journal, No. 7, Spring & Summer. [in Persian].
- Osmond H., (1957). Function as the Basis of Psychiatric Ward Design, Holt Rinehart and Winston, New York.
- Pasalar, C., (2003). The effects of spatial layout on students' interactions in middle schools: Multiple case analysis. unpublished thesis for degree of doctor of philosophy Faculty of North Carolina State University.
- Piribabai, M. T.; Karami, I., (2011). Dissatisfaction with the location around the restored sites; Case study: residential location around Shaheed Noavab Safavi Avenue in Tehran, Modiriyat e Shahri Journal, 9th time, No. 27, Spring and Summer. [in Persian].
- Poll, E., (2002). The Theoretical Background of the City Identity- sustainability Network, Environment and Behavior Journal, No. 34, 8- 28.
- Pourmohammadi, M. R., (2007). Urban land use planning, Samt, Tehran. [in Persian].
- Sajjadi Ghaemmaghami, P.; Pourdihimi, Sh.; Zarfami, I., (2011). Principles of Sustainability in Residential Complexes, Soffeh Journal, 20th time, No. 51, Fall & Winter. [in Persian].
- Samimi Far, F.; Hamze Nejad, M., (2013). Validating the New Principles of Social Sustainability, Relying on Islamic Ethics (in residential areas), Pajhuheshhaye Mamari Eslami Journal, 1st time, No. 1, Winter. [in Persian]
- Shahabian, P.; Piraeger, M., (2013). Surveying the level of social sustainability in Motahhari and 22 Bahman streets in Rasht, Memari va Shahrsazi Arrmanshahr Journal, 5th time, No. 11, Fall & Winter. [in Persian].
- Shojaee, D.; Partovi, P., (2015). Factors Affecting the Establishment and Increase of sociability of Public Spaces in Different Scales of Tehran (Case Study: Public spaces of two neighborhoods and one district in Tehran, Bagh-e-Nazar Journal, 12th time, No. 34, Summer. [in Persian].
- Shokoi, H., (2006). New perspectives on urban geography. first volume. Print 10th, Samt, Tehran.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی